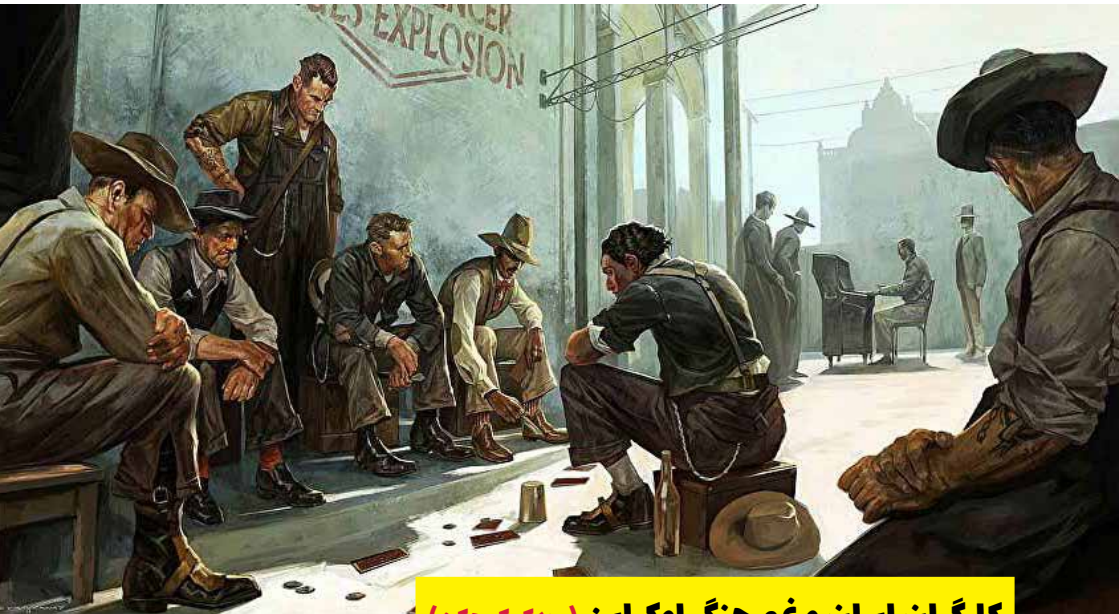


# علیه سرمایه

تربیون کارگران ضد سرمایه داری  
شماره ۵۸ / فروردین هزار و چهارصد و یک



کارگران ایران و غم جنگ اوکراین (مزدک کوهکن)

کار کودک (فریده ثابتی)

رژیم اسلامی سرمایه و قتل عام کارگران درمان (متن تکمیل ۲۹)

اعتصاب کارگران کشت و صنعت لرستان علیه شرایط جدید کارفرما

کانون صنفی و مبارزات کارگران آموزش (امید خرم)

شعر «اقتصاد ایران» (فریده ثابتی)

گزارش اعتصابات کارگری

# کارگران ایران و غم جنگ اوکراین

مزدک کوهکن / فروردین ۱۴۰۱

از شروع جنگ اوکراین تا امروز شاهد حدت هرچند محدود گفتگوها میان کارگران ایران یا بخش هائی از آنها، در باره ابعاد توحش ها و جنایات دولت روسیه علیه «اوکراینی ها»؟ هستیم. احساس انسانی، پاک و قابل ستایشی است، مشاهده کوه بمب هائی که بر سر میلیون ها کارگر می ریزد، کودکانی که از وحشت بمبارانها می لرزند و گروه، گروه در حریق بمب ها می سوزند، پدران و مادرانی که گهواره نوزادان در دست پناهگاهی می جویند و حین جستجو طعمه آتش بمب افکن ها می گردند، سالخوردگان و پیرانی که آشیانه ویران خود را ترک می گویند تا با پیمودن صدها کیلومتر، ویتترین نشین مهاجرپذیری شیدانه این یا آن دولت باشند، شهرهائی که منهدم می شوند، کوهسار حاصل کار نسل های متوالی توده های کارگر که خاکستر می گردد، آری دیدن هر کدام اینها، سلول، سلول وجود هر انسانی را به شرط آنکه این وجود، سرمایه آدم نما، سرمایه اندیشنده دیشعور نباشد، حتما به دهشت می اندازد، این احساس، اشکهائی که ریخته می شود، غمی که بر دلها سنگین می گردد، مسلما قابل ار جگذاری و ستایش هستند، اما آیا واقعا چنین است!!! این آههای جانخراش و سوزناک، از ژرفنای انسانیت خودجوش کارگری نشأت می گیرد!!! شور تفتان همبستگی و همپیوندی معنادار انسانی است که راه طغیان می جوید!!! آیا تار و پود این نجوهای اعتراض آمیز را هستی خودجوش استثمارستیز و ناحق گریز کارگری تشکیل می دهد!!!

ایکاش چنین بود!!! اگر بود زبان از ستودن عاجز می ماند، فال نیکی برای طلوع امید در دل سنگین تاریکی ها می شد، اما شواهد این را تأیید نمی کند، عکس آن را می گوید، اگر چنان بود که باید باشد، اگر آهها از چشمه زلال کارگری و انسانی می جوشید، اگر اعتراض ها طغیان ستم ستیزی خودپوی طبقاتی بود، چرا فقط در مورد اوکراین و نه هیچ کجای دیگر رؤیت می شد؟ مگر نه این است که آنچه در اوکراین جاری است، به شکلهای مختلف، در سطوح متفاوت و گاه بسیار جنایتکارانه تر، ستمگرانه تر و رقت انگیزتر، در سایر مناطق دنیا جریان دارد و همواره جریان داشته است. مگر توده کارگر افغانستان چند دهه متوالی وضعیتی وخیم تر، دردناکتر و فاجعه بارتر از «اوکراینی ها»! تحمل نمی کنند؟ چرا

برای آنها اشک اندوه از سرچشمه همپیوندی انسانی، طبقاتی جاری نمی کنیم؟ مگر آنچه بر سر کارگران لیبی رفت و کماکان می رود بسیار هولناک تر و رعب انگیزتر از «اوکراینی ها»!! نبوده و نیست، مگر جنگ امریکا و اروپا با قذافی میلیونها کارگر لیبی را میان شعله های خود خاکستر ننمود؟ مگر فراریان کوره های این جنگها به حکم دولتهای غربی طعمه ماهیان دریا نشدند؟ مگر میلیونها زن، کودک، پیر و جوان کارگر یمنی از چندین دهه پیش تا امروز در تنور جنگ دولتها و قدرتها نمی سوزند؟ مگر آنچه بر سر کودکان این منطقه رفته است روی رفتار نازی ها در آشویتس را سفید نکرده است؟ مگر وضع توده های کارگر اتیوپی، سودان، کنگو، سومالی و خیلی جاهای دیگر از وضع روز «اوکراینی ها» بهتر است؟؟؟ فاجعه اما به اینجا ختم نمی شود. بحث فقط بر سر بستن چشم روی نابودی هست و نیست میلیاردها کارگر دیگر دنیا در جنگهای هولوکاست گونه دولت ها نیست، مگر سرمایه با کل دولتها و دولتمردانش از روز نخست پیدایش تا حال علیه اساس هستی خود ما، علیه کل طبقه ما در سراسر جهان در حال جنگ نبوده است؟ مگر چند میلیارد توده همزنجر ما زیر شلاق قهر اقتصادی سرمایه، زیر مهمیز سهمگین فشار استثمار سرمایه داری از هستی ساقط نیستند، مگر این انسانها زیر بمباران بدون هیچ انقطاع استثمار و وحوش جانی سرمایه دار، از داشتن قوت لایموت، سرپناه، آب آشامیدن، مدرسه، دکتر، دارو، درمانگاه محروم نمی باشند؟؟ مگر آنچه سرمایه به حکم هستی و سرشت خود بر سر ما کارگران می آرد، وحشیانه ترین جنگ بشرستیز تاریخی نیست، مگر صدها میلیون کارگر در گوشه، گوشه این کره خاکی، آوارگان گرسنه، مفلوک، همه چیز باخته و فرومانده مادام العمر این نظام نمی باشند؟ حرف ما این است، انداختن نورافکن ردیاب انسانی بر زندگی سیاه «اوکراینی ها» شایسته تقدیر است. در این حرفی نیست، اما این ردیاب دقیق با این حساسیت ظریف انسانی چرا فقط «اوکراینی ها» را می یابد؟؟! چرا میلیاردها جنگ زده مادام العمر، نسل بعد از نسل، همزنجر، از جمله در چهاردیواری کومه مسکونی خود را رؤیت نمی کند، نمی شناسد، لایق ابراز همدردی نمی بیند؟؟! چرا کارگر آواره افغانی را از خود می راند؟؟! دشمن اشتغال خود می پندارد؟؟! مزد هزاران بار سلاخی شده و به یغما رفته او را دارائی دزدیده خود می داند؟؟!، نان خالی سنگ شده فرزندش را حق پایمال شده کودک خویش می خواند؟؟! علیه او می شورد و وی را نه فقط لایق همپیوندی که اساسا انسان به حساب نمی آرد؟؟! چرا عین همین رفتار را با کارگر فلسطینی، پاکستانی، هندی، بنگلادشی دارد؟؟!

لیست این مشهودات است که شک ها را بر می انگیزد و این پرسش را به گونه ای بسیار جدی پیش می آرد که چرا دیگ بخشایش کارگران ایران بسان مخزن کرامت کارگران اروپا فقط برای «اوکراینی ها» می جوشد؟؟! نه برای کل طبقه خود، نه برای میلیاردها همزنجر گرسنه و آواره و مفلوک خود، حتی نه

برای خود و بالاخره نه برای کارگر اوکراینی که فقط برای «اوکراینی‌ها» می‌جوشد؟؟؟! پرسشی که بسیار جدی است، رمزآمیز است، پیچیده است و فکر کنجکاو را در پیچ و خم خود به پیچ و تاب می‌اندازد، این تردید را دامن می‌زند که سرچشمه این احساس، این دقت، این رقت، نه خودانگیختگی زلال کارگری - انسانی که پایاب‌های عفن شوره زارهای زه آگین سرمایه، دود و گاز ماشین مهندسی افکار و شستشوی مغزی بورژوازی است. این یک خیال نیست، تهمت نیست، اگر نه همه واقعیت، حداقل بخش مهمی از آن است. نشان از فاجعه‌ای سترگ دارد. این فاجعه که گویا ما طبقه کارگر ایران و دنیا قرار است همیشه و همه جا آن بینیم که این یا آن قطب سرمایه، این یا آن دولت سرمایه دار، این یا آن حزب بورژوازی می‌خواهد و اراده می‌کند. ما قرار نیست با سر آگاه خویش به جامعه، دنیا، زندگی، کار، استثمار، حال، آینده، سیر رخدادها، ریشه حوادث نظر اندازیم، قرار نیست سر بورژوازی را از روی تنه خود برداریم و با شعور زنده و آگاه خویش، یا حتی احساس و ادراک خودجوش انسانی، کارگری، طبقاتی خود به واکاوی رویدادها پردازیم. در همین راستا گویا بناست، همیشه و همه جا داور عادل کارزار و حوش بورژوازی بر سر تقسیم و بازتقسیم لاشه‌های دریده شکار شده خویش باشیم. گویا بناست برای همیشه داور فعال تعیین عادلانه حق گرازان زشت خوی سرمایه دار در تقسیم غنایم شکار باشیم، غنائمی که سوای گوشت و پوست و استخوان یا کل حاصل کار و استثمار طبقه ما و نسل بعد از نسل همزنجیران ما، هیچ چیز دیگر نیست. «حق با خاتمی است و خامنه‌ای ناحق است»، «اصلاح طلبان حق دارند و اصولگرایان ناحقند»، امریکا بمب دموکراسی می‌ریزد و روس‌ها بمب دیکتاتوری می‌اندازند، دولتهای غربی پاسدار حقوق بشر هستند و چینی‌ها نابشر می‌باشند. در این میان آنچه هیچ محلی از اعراب ندارد، جنگ طوفانی، طاعونی و ویرانگر کل این وحوش علیه کل طبقه ما است، آنچه قابل گفتگو نمی‌باشد استثمار، سببیت، جنگ افروزی و آوار جنایاتی است که سرمایه بر سر کل ما میلیاردها کارگر آوار می‌کند، آنچه شایسته هیچ بحثی نیست مبارزه طبقاتی رادیکال ما علیه بنیاد هستی سرمایه و موجودیت اختاپوس سرمایه داری است. اما این راه به گورستان است. جنگ اوکراین و تمامی جنگهای جهان روز جنگ سرمایه علیه ماست. جنگ آنان فقط بر سر تقسیم اضافه ارزش‌ها و سرمایه‌های حاصل استثمار ما است. هیچ چیز حماقت آمیزتر، سفاهت بارتر، چندان آورت‌تر و فاجعه آورت‌تر از آن نیست که جنگ خود علیه هستی سرمایه داری را به فراموشی بسپاریم، قاضی تعیین سهم پوتین یا ناتو در افروختن جنگها گردیم، کار ما آنست که دست همزنجیر اوکراینی را در دست کارگر روسی قرار دهیم، دستهای کل آحاد طبقه خود در ایران و جهان را به هم پیوند زیم. همه با هم علیه ناتو، علیه پوتین، علیه کل دولتها، علیه کل نظام بردگی مزدی وارد میدان کارزار طبقاتی گردیم.

کار کودک از جمله آن مسائل است که همیشه تا وقتی که از بین نرود قابل گفتن، نوشتن و بحث کردن است. اختصاص روزی (۱۲ ژوئن) به روز اکسیون علیه کار کودک در کنه خود مثل سایر روزهای تعیین شده جهانی مثل روز زندانیان سیاسی، روز نه به جنگ و غیره، نه تنها راه واقعی رهایی و از بین بردن مشکلاتی که تنگاتنگ با سیستم اقتصادی اجتماعی حاکم در جهان یعنی با شیوهی تولید سرمایه داری در پیوند هستند نیست بلکه بر توهم توده ها این گونه دامن می زند که می شود با کمپین ها و یاد روزها بر مشکلات فائق آمد. در سرمایه داری این طور وانمود می کنند که مزد کارگر حاصل یک معامله ی برابر بین خریدار نیروی کار و فروشنده ی کالای نیروی کار است. کارگر می تواند نیروی کارش را به هر کس که دوست داشته باشد بفروشد. اما واقع امر کارگر چاره ای جز فروش نیروی کار خود ندارد زیرا تنها کالایی است که برای فروش دارد و در تعیین دست مزد هم دخالتی ندارد و تحت شرایط بازار کار، وجود ارتش بیکاران، رقابت بین کارگران، وجود نیروی کار ارزان تر مثل کار زنان و کودکان، مجبور به پذیرش آن می شود ولی "چون صاحب نیروی کار می رنده است و...، نیروهای کاری که در نتیجه ی فرسودگی و مرگ از بازار بیرون کشیده می شوند همواره بایست با تعداد لااقل برابری از نیروهای جدید کار جبران گردند. بنابراین مجموعه ی وسایل معیشتی که برای تولید نیروی کار ضرور است شامل وسایل زندگی جانشینان آن یعنی اولاد کارگران نیز می شود تا بدین طریق این نژاد کالا داران ویژه در بازار جاویدان بماند" کاپیتال جلد اول، خرید و فروش نیروی کار.

اما در عمل این دست مزد آن قدر پایین است که برای رسیدن به این ویژگی باید آن را بین کارگر، همسر و فرزند تقسیم کنند تا قادر به تامین حداقل زندگی شود یعنی همراه کارگر باید زن و بچه هم کار کنند یعنی سه نفر برای یک دستمزد استثمار شوند بنابراین با نیات خوب و انسانی فعالین یا تقاضا از دولت ها مشکل قابل حل نیست بلکه باید به سمت براندازی سیستم سرمایه داری رفت تا کارگر بودن برافتد و کار نه برای استثمار کارگر بلکه به یک وظیفه اجتماعی تبدیل شود تا هرکس به اندازه توانش در فعالیتی که دوست دارد در اداره جامعه و تامین نیازهای خود و جامعه مشارکت کند.

بنا بر آمار ارائه شده توسط یونیسف، ۱۹۰ میلیون کودک بین ۵ تا ۱۴ ساله در جهان کار می کنند. بیشتر این تعداد در آسیا، پسیفیک و آفریقا زندگی می کنند اما در کشورهای پیشرفته صنعتی از اروپا تا آمریکا هم وجود دارند. اکثریت کودکان در بخش کشاورزی مشغول به کارند. توزیع کودکان کار در بخش های مختلف شامل ۷۰٪ در بخش کشاورزی، ۲۰٪ در بخش خدمات و صنعت و ۱۰٪ در بخش معدن می باشد. حداقل ۱۰٪ شاغلین در بخش توریسم کودک اند که یک میلیون از آن ها توسط توریسم سکس مورد استثمار قرار می گیرند. مهم ترین دلیل کار کودک، فقر والدین است که یا بیکارند، یا دستمزدهای شان آن قدر ناچیز است که کفاف مخارج خانواده را نمی دهد. اکثریت کودکان کار در بخش کشاورزی توسط والدین مجبور به کار فامیلی می شوند این مساله حتی در آمارهای رسمی کشورها هم بدون شرم و خجالت وارد شده است به طور مثال در آمارهای مرکز آمار ایران که ستونی به نام کار فامیلی در جداول کار وجود دارد. خارج از خانواده کار کودک، به عنوان کارگران فوق العاده ارزان مورد توجه کارفرماهاست زیرا با دستمزد یک کارگر بزرگ سال می شود چندین کودک را به کار گرفت و به اندازه چندین نفر ارزش اضافی تولید و به سرمایه تبدیل کرد. کار بردگی هم وجود دارد که در آن معمولا کودکان در ازای بازپرداخت قروض خانواده به مدت نامعلوم یا طولانی به بردگی داده می شوند. در مساله کودک همسری این مورد بازتاب بالایی دارد و معمولا دخترکان به دلیل فقر، بدهی یا حتی تامین مواد مخدر والدین به افراد بزرگسال و حتی مسن فروخته می شوند. کودک سرباز نوع دیگری از کار کودکان است که تازه ترین آن اسخدام کودک سرباز توسط طالبان به طور رسمی از طرف یک دولت است. این نوع کار در آفریقا بین گروه های شورشی و هم دولتی و در آمریکای لاتین امری معمول بوده است و گذشته از سرباز بودن سوء استفاده جنسی از آن ها هم امری رایج بوده است. معمولا آمار رسمی در باره ی کار کودک، تعداد آن ها، نوع فعالیت شان در کشورها وجود ندارد. آمریکا از جمله این کشورهاست. اما هزاران کودک به ویژه هیسپانیش یا کودکانی از بومیان همین قاره، در شرایطی ناگوار و بسیار بد در بخش کشاورزی همراه والدین یا تنها در مزارع عظیم آمریکا کار می کنند. معمولا در فصل برداشت محصول این کودکان روزانه تا ۱۴ ساعت در روز مجبور به کار هستند و به همین دلیل مجبور به ترک مدرسه می شوند و علاوه بر این در مزارع به طور مستقیم در ارتباط با سم پستیسید و مواد شیمیایی بکار رفته برای محصولات قرار می گیرند که بر سلامت شان تاثیر می گذارد. بخشی از کودکان ۱۷ ساله به عنوان کودک سرباز در خدمت ارتش آمریکا قرار می گیرند. مضاف بر این موارد ایالات متحده یکی از کشورهایی است که مقصد تجارت انسان از آمریکای مرکزی و آسیا جهت استثمار جنسی و کار اجباری به عنوان ("بردگان خانگی") است. کار کودک در آلمان تا ۱۴ سالگی به طور قانونی ممنوع است اما از ۱۵ سالگی اجازه هست که در

کنار تحصیل در آخر هفته کار کنند اما باید بین دو شیفت کاری ۱۲ ساعت فاصله باشد. به طور استثنای کودکان از ۱۳ سالگی در درروستاها می توانند روزانه دو ساعت در کار فامیلی شرکت کنند. کودکان از ۱۴ سالگی حق دارند در تعطیلات مدرسه یک ماه کار کنند. معمولاً این کودکان از خانواده های با درآمد پایین یا کم درآمد یا بیکار هستند و پول توجیبی اندک شان نیازهای شان را بر نمی آورد در نتیجه کار می کنند تا پول بیشتری در جیب داشته باشند و هدف کار کردن کمک به مخارج خانواده نیست گرچه در واقع هست یعنی نیاز کودک باید توسط خانواده برآورده شود یا دولت آن را تامین کند. تعطیلات آخر هفته و تابستان برای استراحت، تامین نیرو، و آمادگی برای وظایف درسی سخت تر است اما این امر نادیده گرفته می شود زیرا مختص خانواده های کم درآمد، فقیر و بیکار است نه مرفهین جامعه.

در هندوستان به عنوان کشوری که بالاترین رشد اقتصادی جهان را دارد، ۳۰۰ میلیون انسان کارگر بزرگسال با دست مزد روزانه کم تر از ۲ دلار کار می کنند و به همین سبب تنها قادر به تامین یک وعده غذای روزانه برای خانواده هستند به همین دلیل مجبور می شوند کودکان خود را به جای کودکی کردن و رفتن به مدرسه به کار بفرستند. یکی از هر ۵ کودک بین ۶ تا ۱۴ سال یعنی ۲۰٪ کودکان به دلیل فقر خانواده مجبور به کارند و به مدرسه نمی روند. در مجموع نزدیک به ۱۳ میلیون کودک در کارهای سخت و خطرناک و اغلب تا ۱۶ ساعت در روز مجبور به کار کردن هستند. ۶۹٪ این کودکان در بخش کشاورزی بویژه کشت پنبه مشغول به کارند. با انگشت های کوچک خود غوزه های شکفته پنبه را می چینند و در کیسه های بزرگ جمع می کنند سپس این بار سنگین را بدوش می کشند تا به جایی ببرند که برای دست مزد وزن شود. کودکان بدون داشتن لباس کار محافظ که بعلت کوچکی در میان انبوه ساقه و شاخه های گیاه کتان گم شده اند، به سم پستیسید که بدون رعایت مقررات مصرف می شود آلوده می شوند، به بیماری های شدید تنفسی و پوستی دچار می شوند و در بسیاری از موارد جانشان را از دست می دهند. ۱۶٪ کودکان کار در بافت فرش، تولید وسایل آتش بازی و سیگار، ۱۲٪ در هتل ها و رستوران ها و توریسم مشغول به کارند. دختران کم سن و سالی که در این بخش کار می کنند مورد خشونت جسمی و سوء استفاده جنسی قرار می گیرند، گرچه از نظر قانون کار کودکان کم تر از ۱۴ سال در این بخش ممنوع است اما مراقبتی در رعایت آن انجام نمی گیرد زیرا در صورت مراقبت دولت باید مسئولیت تامین زندگی کودکان را بعهده بگیرد.

در ایران تا اوایل دهه هشتاد وجود کودک کار را انکار می کردند اما بعد چنان گسترده و چشمگیر شد که نمی شد انکارش کرد. از اواخر این دهه وجود کودکان کار را پذیرفتند اما آن را به فروشنده گی در خیابان تقلیل دادند و مدعی شدند که این کودکان اکثریت قریب به اتفاق شان کودکان افغانستانی

هستند. گویی با تعیین ملیت کودکان مساله حل و قابل چشم پوشی بود و وظیفه ای برای شان ایجاد نمی کرد. در سال ۹۶ وزارت کار از ۵۰۰ هزار کودک کار خبر داد و آن ها را به سه دسته تقسیم کرد. کودکانی که در کارگاه ها کار می کنند. کودکان زباله گرد و کودکان فروشنده در خیابان ها. امروزه از سه تا هفت میلیون کودک کار صحبت می شود. دلیل عمده برای کار کودکان فقر خانواده است. وقتی ۸۰٪ مردم در یا زیر خط فقر قرار دارند، یا با بیکارسازی های انبوه مواجه اند، یا با دو شیفت کاری هم نمی توانند مخارج خانه را با توجه به تورم و قیمت های دائما در حال افزایش کالاهای اساسی تامین کنند، پس راهی نمی ماند که کودکان ترک تحصیل نمایند و مشغول کار شوند. در سال ۱۴۰۰ بنا به صحبت های آقای کاظمی سرپرست آموزش و پرورش ایران تعداد ۹۷۰/۰۰۰ دانش آموز ترک تحصیل کرده اند که ۲۱۰ هزار نفرشان دانش آموز پایه ابتدایی بوده اند و مسلم است که بخشی از آن ها به کودکان کار پیوسته اند.

افغانستان: طالبان: از زمان روی کار آمدن طالبان در افغانستان یک میلیون کودک به دلیل فقر والدین در مزارع کشاورزی مشغول به کار شده اند. در حالی که مواد غذایی در بازار به اندازه کافی وجود دارد، بخش بزرگی از جمعیت پولی برای خرید آن ندارند و بیشتر این خانواده ها تنها یک وعده غذا در ۲۴ ساعت می خورند. طبق یک تحقیق پرسشنامه ای ۳۴/۸٪ خانوارهای افغانستانی کل و ۲۶/۶٪ نصف درآمد ماهانه خود را از دست داده اند. ۷۵٪ آن ها مجبور به گدایی شده اند. ۳۶٪ تسویه خرید می کنند و ۱۸٪ مجبور شده اند کودکان خود را برای کار بفرستند.

آفریقا: غنا: در این کشور آفریقایی ۲۰٪ کودکان ۵ تا ۱۷ ساله در مزارع تولید کاکائو کار می کنند. ۳۲٪ کودکان مجبور به انجام کارهای سخت هستند و در حین کار با مواد شیمیایی کشاورزی در تماس قرار می گیرند. در سال کشاورزی ۲۰۱۸-۲۰۱۹ در فصل کاشت کاکائو ۷۷۰/۰۰۰ کودک در مزارع آن کار می کردند. بخش بزرگی از آن ها در ۸۰۰/۰۰۰ خانواده دهقانی کوچک مشغول به کارند. کاری سخت که اغلب سبب زخمی شدن آن ها در استفاده از قمه یا مسمومیت و بیماری در ارتباط با سم پستیسید، یا سقوط از درختان یا مسمومیت یا مرگ توسط نیش مارها و عتکبوت های سمی می شود. در سال ۲۰۲۲ گزارشی پخش شد که می گفت در مزارع کاکائو مناسبات بردگی برای کودکان کار وجود دارد. کودکانی از بخش خشک و فقیر شمال غنا برای کار در مزارع به جنوب آورده می شوند. پول اندکی به والدین فقیر آن ها داده می شود و کودکان مجبورند در هر شرایطی که بود کار کنند و تنها اندک غذایی برای زنده ماندن جهت ادامه استثمار به آن ها داده می شود.

در بعضی از مناطق مدرسه وجود ندارد یا دچار کمبود است یا مدرسه منطقه در فاصله ای دور قرار دارد و همین سبب می شود که کودکان به جای مدرسه برای کار فرستاده شوند اما این جا هم فاکتور مهم



فقر خانواده است که نمی تواند امکان فرستادن بچه به مدرسه را فراهم سازد در ضمنی که اگر کار کودکان نباشد درآمد این خانواده ها از نصف هم پایین تر می رود. دلیل دیگر هم پایین افتادن قیمت کاکائو در بازار جهانی به نصف است که فشار بسیاری بر دهقانان کوچک وارد آورده است. میلیون ها دهقان کوچک در جهان از جمله غنا که مواد اولیه را برای تولید شکلات کشت می کنند در مقابل کنسرن هایی که در زمینه تجارت، تبدیل و تولید شکلات از کاکائو کار می کنند تنها درصد کوچکی از درآمد حاصل از شکلات را دریافت می کنند و برای این کنسرن مساله ای نیست که آیا تولید کنندگان کوچک کاکائو با این درآمد اندک می توانند غذای روزانه، لباس، حمل و نقل، ارتباطات، آموزش و بهداشت خانواده را تامین کنند یا نه. در غنا قوانین بسیاری در رابطه با حمایت از کودکان وضع و برای تخطی از آن جریمه تعیین شده است ولی خانواده های فقیر آن را دور می زنند و کار کودک به صورت مخفی در آمده است زیرا فقر و قانون در دو جهت معکوس قرار دارند و با بهترین قانون بدون توزیع عادلانه ثروت اجتماعی و تهیه امکانات، فقر تکثیر می شود و بر دامنه ی تعداد فقرا افزوده می شود. این را در دنیای سرمایه داری لحظه به لحظه شاهدیم: بالا رفتن کار کودکان در سطح جهان، بالا رفتن خطر گرسنگی، تجارت انسان به ویژه کودکان و زنان و ... ، حاصل مناسبات جهانی سرمایه داری است و با ادامه آن بدتر و بدتر خواهد شد.



## رژیم اسلامی سرمایه و قتل عام کارگران درمان



کارگران ضد سرمایه داری / فروردین ۱۴۰۱

طوفان ویرانگر بحران سرمایه داری، اپیدمی مرگ آور کووید ۱۹ مولود نکبت، ادبار و برهوت آفرینی سرمایه، عدم دسترسی کارگران به حداقل امکانات درمانی و حفاظتی برای مقابله با هجوم این بیماری مهلک، ابتلای چندین میلیون مرگ و میر چند صد هزار نفری همراه بادنیای فقر، فلاکت، آوارگی، بی بهداشتی و بدبختی حاصل استیلای سرمایه داری، همه و همه به صورت کوه آسا بر زندگی کل توده های کارگر دنیا آوار است. در این میان وضعیت توده کارگر ایران از غالب مناطق جهان رعب انگیزتر، فاجعه بارتر و خرد کننده تر است. اینجا هر نفس کشیدن اعتراضی کارگران هم توسط فاشیسم اسلامی آماج حمام خون است، هیچ نوعی امکاناتی در اختیار کارگران برای حفظ جان خود از خطر بیماری موجود نیست. کل کارگران از خردسال تا لب گور مجبورند برای امرار معاش روزانه، برای تأمین هزینه درمان و دارو، برای سیر تاپیاز «زندگی» به کار در هر شرایطی حتی در میان طوفان تاخت و تاز کووید ۱۹ تن به کار شاق دهند و خطر مرگ رابه جان خرند. در چنین وضعی کارگران بخش درمان از همان آغاز با اراده ای استوار، عزمی راسخ، عظیم ترین فداکاری ها، تحقیر مرگ و تکریم شرف انسانی به پا خاستند تا در میان آتش و خون آفریده سبعیت ها و جنایت آفرینی های سرمایه داری و فاشیسم اسلامی سرمایه، از جان همزنجیران خویش دفاع کنند. آن هادر این گذر دست به پرشکوه ترین ایثارگری ها زدند، از جان خویش گذشتند تا پاسدار جان انسان ها باشند. کشته ها دادند تا دیگران را از مرگ برهانند. شمار واقعی جان باختگان این بخش طبقه کارگر مسلمانها از هزار افزون است. آنچه مادر اینجا در بیست و نهمین متن تکمیلی آمار کشتگان کادر درمان (بین ۱ فروردین تا ۲۴ فروردین ۱۴۰۱، اطلاعات قبل رادر شماره های قبلی نشریه علیه سرمایه می یابید) می آوریم صرفا در برگزیده نامهایی است که توانسته ایم از تاریکی زار مآلما از سانسور، خفقان، کنترل، بریدن زبان ها، شکستن قلم ها و دوختن دهن ها بیرون آریم.

۸۶۶	راضیه حسن زاده / پرستار بیمارستان تبریز	۸۶۷	حسین کاملا متخصص اتاق عمل بیمارستان پیرانشهر
۸۶۸	اکبر نعمتی پرستار اورژانس شیراز	۸۶۹	رضا امرایی پرستار بیمارستان خرم آباد
۸۷۰	رسول فهیمی رزیدنت بیمارستان ساوه	۸۷۱	راضیه مروتی پرستار بیمارستان ساوه

اکبر نعمتی پرستار اورژانس شیراز، رضا امرایی پرستار بیمارستان خرم آباد، رسول فهیمی رزیدنت بیمارستان ساوه، راضیه مروتی پرستار بیمارستان ساوه، راضیه حسن زاده پرستار بیمارستان تبریز همگی در تصادف رانندگی حین برگشت از کار و یا بعد از شیفت شب کشته شدند و حسین کاملاً متخصص اتاق عمل پیرانشهر بر اثر ایست قلبی حین شیفت کاری جان سپرد.

اگر تا چندی پیش موج ششم کوید بیشترین کشتار و جان را از کادر درمان می گرفت این روزها فشار کار چندین برابر شده است. کارکنان کرور کرور اخراج می شوند و راهی برهوت فقر و گرسنگی و بار کار بر دوش تعداد هر چه کمتری کارگر درمان می افتد. سنگینی شدت کار قدرت تمرکز و حواس جمعی را از همکاران می گیرد و اگر در طول این مدت دست به خودکشی نزنند در رانندگی حین کار و بعد از کار دچار سانحه و مرگ می شوند. یک رزیدنت از شرایط کار چنین می نویسد: «فشار کاری هولناک بر جسم و روان رزیدنتها و شرایط جهانی محیط کار و تحصیل، فقط ظرف چند ماه گذشته بسیاری از همکاران را به کام مرگ فرستاد! در قتلگاه بیمارستان ها چه بر سر جگرگوشه های مردم می آوید که صبح از پاپیونها جسم بی جانشان را بیرون میکشید؟ چند جوان دیگر باید در این جهنمی که تا به آن وارد شوی نه راه پس داری نه راه پیش، قربانی شوند تا بفهمید این نظم کهنه ی زنگ زده دیگر جوابگو نیست؟ بحرانهای این سیستم فرسوده روز به روز نمایان تر و بزرگتر میشوند و متولیان این سیستم ناکارآمد برای عبور از بحرانها و حل مسائل هیچ راه حلی جز فشار حداکثری بر نیروی انسانی ندارد!! تمام مشکلات و کاستیها و سوءمدیریت های سیستم را با فشار بر نیروهای زیردست میپوشانند! عواقب این فشارها بر جسم و روح جگرگوشه ی مردم و نیروی کار مهم نیست؛ مهم سیستم است که باید به هر قیمتی بگوید بی نقص است!»

جمهوری اسلامی سرمایه به محض پایان آن چه به موج پنجم و ششم موسوم است دست به اخراج و پایان کار پرستاران و کادر درمان میزند. کادر درمان می می گویند «بلا فاصله بعد از موج پنجم دارن نیروهای کادر درمان را لغو قرارداد میکنن حتی نداشتن طرحی ها طرحشون تموم بشه وسط طرح گفتن نیاین سر کار». امروز شنبه بیستم فروردین ماه کارگران طرحی بدون سهمیه همان کارگرانی که بدون هیچگونه امنیت شغلی به کمک توده مردم کرونا زده آمدند و از جان خود و خانواده خود گذشتند. کارگرانی که صفر کیلومتر خطاب میشوند و با تمام این نامالییات خم به ابرو نیاوردند و لحظه ای سنگر مبارزه با کرونا رو ترک نکردند. اینها همان نیروهایی هستند که اکنون با فروکش کردن نسبی کرونا پایان طرح خورده میشوند و عذر آنها رو میخواهند! این به معنای افزایش فشار و شدت کار بر دیگر کارگران این حوزه سرمایه است. نظم اسلامی سرمایه نظیر هم قطاران خود در سراسر این جهنم از هزینه کردن دیناری جهت درمان توده ها ابا دارد! در این نظام همه چیز از صدر تا ذیل ضد کارگر و ضد انسانی است، همه چیز در خدمت تولید سود انبوه تر است. پاندمی کرونا بانگ می زند که باید سرمایه داری را نابود کرد. رخدادی که وقوع آن نیازمند و چشم به راه میدانند آگاه طبقاتی توده های کارگر است و این راه حل اساسی است!

# اعتصاب کارگران کشت و صنعت لرستان علیه

## شرایط جدید کارفرما



مزدک کوهکن / فروردین ۱۴۰۱

مجموع بزرگ کشت و صنعت لرستان اعلام داشته است که حتی حاضر به پرداخت دستمزدهای بسیار نازل و عمیقاً محقر مصوب دولت درنده سرمایه داری به کارگران هم نمی باشد. سرمایه دار شرکت تصریح کرده است و به اطلاع تمامی کارگران رسانده است که سطح مزدها را خودش تعیین خواهد کرد، مقدار آن به گونه فاحشی از آنچه نهاد دولتی ضد کارگری موسوم به «شورای عالی کار» اعلام کرده است پائین تر خواهد بود. همه کارگران باید بدون هیچ قید و شرط باید قبول کنند، در غیر این صورت قرارداد کار آنان حتی برای یک روز تمدید نخواهد گردید. تصمیم جنایتکارانه سرمایه دارها و کارگش شرکت، موج قهر کارگران را به دنبال آورده است. آنها بلادرنگ دست از کار کشیده و چرخ تولید را از چرخش باز داشته اند. کارگران تأکید کرده اند که تا الغاء کامل تصمیم کارفرما و تمدید قرارداد کار همه همزنجیران، به اعتصاب ادامه می دهند. آحاد کارگران در اجتماع خود فریاد سر دادند که مزد مصوبه دولت سرمایه هم به دلیل سطح بسیار نازل و حقارت آمیزش مورد انزجار و اعتراض گسترده آنان بوده است و حال سرمایه دار سفاک شرکت حاضر به پرداخت همان دستمزد محقر نیز نیست.

کارفرما بر اجرای حکم خود اصرار دارد. او تهدید نموده است که همه را اخراج خواهد کرد و از طریق شرکت های پیمانکاری آدم فروش، کارگرانی با مزد پائین تر را احضار و مورد استثمار وحشیانه تر قرار خواهد داد. توده کارگر کشت و صنعت لرستان در این جدال از همه همزنجیران می خواهد که به حمایت عملی از آنها برخیزند. همه جا علیه این جنایت فریاد اعتراض سر دهند و برای مجبور ساختن کارفرما به عقب نشینی آماده اعتصاب و تعطیل کار شوند. آنچه این کارگران می خواهند نیاز مبرم و قهری کل دهها میلیون کارگر ایرانی و کل کارگران دنیا است. سرمایه داران تمامی زرادخانه های قدرت را در اختیار دارند، دولت، پارلمان، ارتش، سپاه، پلیس، بسیج، سازمان های مخوف اطلاعاتی و امنیتی، حوزه های علمیه، ولایت فقیه، عظیم ترین شبکه های شستشوی مغزی انسانها، کهکشان سرمایه ها، قانون، نظم، قرار و مقررات پاسدار سودافزایی پر خروش این سرمایه ها، همه و همه را دارند، توده های کارگر اگر قصد مسخره کردن خود را ندارند، اگر خود را انسان و دارای حق انسانی می دانند، اگر قرار است انسان های جدی و

واقعی باشند، اگر گرسنگی و فلاکت و فقر مولود نظام سرمایه داری را امر مقدر و محتوم زندگی خویش نمی بینند، اگر اعتصاب و مبارزه رانه مصداق «کاچی بهتر از هیچی» یا امر «باری به هر جهت» بلکه ابزار اعمال قدرت می بینند پس باید راه درست این اعمال قدرت را هم جستجو کنند، طریق پیروزمندی این نمایش قدرت را هم تعمق نمایند و پیدا کنند، باید از خود پرسند که چرا در همین جهنم سرمایه داری ایران هر سال چندین هزار اعتصاب بزرگ و کوچک سازمان می دهند اما هیچ نتیجه ای نمی گیرند. چرا نسل بعد از نسل مبارزه کرده اند اما هر روزشان از روز قبل بدتر گردیده است. کارگران باید بدانند که قادر به خلاصی خویش از نیاز مبرم و حیاتی یافتن پاسخ این پرسش ها نیستند. تاریخ در بند، بند خود بر سر آنها فریاد می زند که باید این سؤالات را اخطارهای سرکش مرگ و زندگی بینند، با سلول، سلول وجود خویش به جستجوی پاسخ ها پردازند و پاسخ ما به عنوان عده ای همزنجیر به این پرسشهای اساسی حیاتی آنست که اعتصابات محقر و گسیخته محصور در چهاردیواری مراکز کار، بگو، مگوهای بی پژواک با این و آن کارفرما علاج هیچ دردی نیست. باید یک قدرت سازمان یافته، سراسری، شورائی و ضد سرمایه داری شد. باید دست ها را به سوی هم دراز کرد و فشرد. قدرت ما از قدرت طبقه سرمایه دار افزون است باید این قدرت را متحد، متشکل، آگاه، شورائی و سرمایه ستیز وارد میدان بیکار ساخت. این کار ممکن است، حتما ممکن است، هزینه دارد اما به طور واقعی کم هزینه ترین راه است. نه فقط اتویی نیست که جنگ زمینی با کل اتویی پردازی های شوم و گمراه کننده نسخه پیچی شده سرمایه و طبقه سرمایه دار است. با هم به مشورت بنشینیم، در خانه های همدیگر را بکوبیم، حصارهای فرساینده و کاهنده ای را که سرمایه بر گرد شعور و شناخت ما کشیده است فروریزیم، عزیمت از زندگی تقدیرآمیز کارگر بودن و همیشه کارگر ماندن را دور اندازیم، ما می توانیم و یقینا می توانیم که به جای مزد مصوب شورای عالی کار، به جای مزد بیشتر، خواستار تسلط بر تمامی محصول کار و تولید و زندگی خود شویم. برای این کار باید یک قدرت شورائی سازمان یافته ضد سرمایه داری گردیم.



# کانون صنفی و مبارزات کارگران آموزش

امید خرم / فروردین ۱۴۰۱

اعضای کانون صنفی در تمام مصاحبه ها و سخنرانی هایشان آگاهانه واقعیت محرز کارگر بودن معلمان (کارگران آموزشی) را تحریف می کنند و از این رو است که از سخنرانی کارگران آموزشی و یا دیگر همزنجیران طبقه کارگر چون کارگران صنعتی یا خدماتی در تحصن (تجمع) کارگران آموزشی توسط لیدرهای کانون صنفی جلوگیری می شود. این موضوع از چشم کارگران آموزشی هم پوشیده نیست چنان که علاوه بر بعضی از سخنرانان شهرستانی که علنا بر همبستگی و اتحاد با دیگر بخش های کارگری تاکید می کنند، چند تن از معلمان شهرستانی (از استان های شمالی و خرم آباد) برای اعتراض به این شیوه و مشی بورژوازی کانون صنفی به تهران آمدند که از سخن رانی آنها جلوگیری به عمل آمد. کانون سخنرانی های محمد درخشش را در کانال صنفی معلمان گذاشت و با این کار می خواهد رزومه بورژوازی برای این بخش کارگری بترشد. در مصاحبه ای که بدقی با یکی از اعضای حزب ایران (وابسته به جبهه ملی) انجام داده، تمام هم خود را بر آن گذاشته است تا هویت کارگر بودن معلمان و سهیم بودن آنان را در تولید ارزش اضافی منکر شود. بدقی همان کاری را می کند که بورژوازی در تکه تکه کردن جنبش کارگری کرده و می کند. در مصاحبه بخوبی روشن است که عضو حزب ایران کوشیده معلمان را از بدنه کارگری جدا و پیاده نظام حزب بورژوازی ایران کند. کاری که کاملاً در راستای اهداف کانون صنفی و منافع بورژوازی است. تجمع بازنشستگان کارگران آموزشی و... پذیرش نظام کار مزدی و تمکین به قانون سرمایه و تاکید بر مبارزه در چهار چوب سرمایه است و مفهوم واقعی این سخن این است که خواست و مطالبات معلمین از مرز قانون سرمایه فراتر نرود و به سخن دیگر می بایست خطوط قرمز را پاسداشت، با زبان تمنا و استغاثه و تکریم از بورژوازی چشمداشت ترحم داشت. تازمانی که به سرمایه به چشم دشمن طبقاتی نظر نداشته باشیم و با اتکا به نیروی خود به میدان پیکار در تقابل با سرمایه رنجیزیم سرمایه مخالفی ندارد فقط برتجمع ها نظارت می کند که مبادا بطور خود جوش به شورش علیه سرمایه تبدیل شوند.

اما زمانی که کمی فراتر از زبان استغاثه خواستار آنچه سرمایه به اتکای قدرت دولت و نهادهای وابسته به دولت چون مجلس نیروی نظامی و... از پد اختیار کارگر خارج کرده است بخواهیم باز پس گیریم و خواستار کاهش ارزش اضافی ها و فراتر از آن تسلط بر سرنوشت کار، تولید و زندگی خود شویم، آنجاست که دولت سرمایه قشونی از نیروهای انتظامی و پاسداران سرمایه را برای مقابله با کارگران گسیل می دارد. در اینجا لازم

به ذکر است که کارگران مخابرات در تجمع اخیرشان کمی از شیوه تکدی‌گری و عجز و لابه در مقابل سرمایه‌فراتر رفته‌اند. حکومت سرمایه این رویکرد طبقه کارگر را که تا یک مبارزه آگاهانه و سراسری شورایی فاصله دارد بر نتابید. وحوشی از نیروهای موتورسوار انتظامی و پاسدار مسلح به مقابله بخش کوچکی از کارگران مخابرات و برای درهم کوبیدن آنان به میدان آورد. اگر بخش‌های دیگر کارگری به حمایت هم‌زنجیران مخابراتی خود برخاسته بودند رژیم اسلامی سرمایه نمی‌توانست بسادگی کارگران مخابراتی را پراکنده کند.

بست‌نشینی در مقابل نهاد‌های سرمایه، نگاه بورژوایی است که طی این سال به عنوان شیوه تحقق مطالبات کارگری به طبقه کارگر حقه شد تا جایی که رژیم اسلامی سرمایه و فرمانده نیروی سرکوب، خطاب به کارگران مخابراتی می‌گوید به خانه برگردید و با نامه نگاری خواست خود را دنبال کنید. رژیم سرمایه با بست‌نشینی مخالف نیست بلکه از ناراضی‌تی و خشم توده‌های کارگر از فقر و گرسنگی که رژیم اسلامی سرمایه باعث آن است وحشت دارد. جنبش کارگری ناگزیر است که ریل مبارزه را تغییر دهد. موضوعی که فعالین لغو کارمزدی بارها و بارها در مطالب خود بر آن تاکید کرده‌اند.



## شعر «اقتصاد ایران»



فریده ثابتی

اقتصاد خر	اقتصاد سرمایه	بهشت های کاغذی
اقتصاد گاو	*****	بهشت های لاتینی
اقتصاد اسلامی	اقتصاد اختلاس	*****
بانکداری بی بهره	اقتصاد فساد	اقتصاد شلاق
با کار مزد سی درصد	هم مالی هم سیاسی	در ملاء عام
*****	دزدی دکل	اقتصاد زندان
اقتصاد تورم	دزدی خمسی	اقتصاد جریمه
با تصاعد هندسی	دزد میلیاردری	اقتصاد اعدام
اقتصاد فقر	*****	*****
با تصاعد نجومی	اقتصاد حاشا	اقتصاد کشتار
*****	اقتصاد ناراج	کشتار انسان
اقتصاد جنگ	اقتصاد کمبود	کشتار آرزوها
اقتصاد کوپن	اقتصاد حراج	کشتار آینده
اقتصاد رکود	*****	*****
اقتصاد سنکوب	دلارهای نفتی	اقتصاد کار
*****	حساب های بانکی	کار اضافی
اقتصاد جام زهر	اروپا، مالزی	کار بیگاری
اقتصاد تحریمی	امارات، کانادا	کار کودک
اقتصاد نرمشی	حساب های مجازی	کار زندانی
اقتصاد برجامی	پول شویی رسمی	کار فقر



کار تن فروشی  
کار فروش اعضا

\*\*\*\*\*

کار دوو سه شیفتی  
با دست مزد ده روز  
فریاد کارگر

استیصال بیکار  
اعتصاب بی جواب

توهم چهل ساله  
مرگ واقعیت

\*\*\*\*\*

خیزش عمومی  
ترک در توهم  
دی ماه ۹۶

آبان ۹۸

دستور سرکوب  
با اذن پیشوا

با نرخ به هر قیمت

\*\*\*\*\*

اقتصاد خرید فقرا

برای سرکوب

اقتصاد بسیجی

توزیع ساندیس

توزیع ساندویچ

با هجوم گشنگان

زهر خند پیشوا

\*\*\*\*\*

اقتصاد مقاومتی

در سنگر حزب الله

با چمدان های پول

با خاتم و فاطمیون

در سرکوب عفرتین

\*\*\*\*\*

رونق تولیدی

در صنعت پهبادی و موشکی

فریاد اعتراضی

پوشک به جای موشک

\*\*\*\*\*

اقتصاد تعظیم

اقتصاد در خدمت

در بلوک های سرمایه

اقتصاد شمشیر

در مصاف توده ها

\*\*\*\*\*

دست های جویا

دست های کار

دست های بیکار

دست های زن و مرد

دست های پیکار

در جستجوی یاری

در پیکار رهایی

از ستم و استثمار

\*\*\*\*\*



# گزارش اعتراضات کارگری اخیر



روز دوشنبه ۱ فروردین ۱۴۰۱، شماری از کارگران فضای سبز و خدمات شهری شهرداری چابهار در اعتراض به سطح نازل دستمزدهای خود دست به تجمع زدند.

**اعتراض معلمان حق التدریسی** مرحله سوم استان لرستان به مسئولین اداره آموزش و پرورش که به بهانه‌های مختلف از صدور احکام معلمان ممانعت و در صدور احکام و واریز حقوق پیمانی آن‌ها عمدتاً تعلل می‌کنند.

اعتصاب رانندگان بخش دولتی سازمان اتوبوسرانی مشهد، که از روز سه‌شنبه ۲۴ اسفندماه، در اعتراض به عدم رسیدگی مسئولین به وضعیت شغلی و معیشتی خود آغاز شده است، تا دوم فروردین کماکان ادامه دارد. رانندگان که تعداد آنها به ۱۰۰ نفر می‌رسد در اعتراض به عدم پرداخت مطالباتشان، از خارج کردن اتوبوس‌ها از توقفگاه و فعالیت در خطوط و سرویس دهی به مردم خودداری کردند. آنها می‌گویند، سازمان اتوبوسرانی شهرداری مشهد با به کار گرفتن اتوبوس‌های سازمانی به عنوان ابزاری برای شکستن اعتصاب رانندگان سعی دارد رانندگان اعتصابی را به سر کار بازگرداند.

**کارگران واحد نگهداری ابنیه فنی راه آهن تهران** روز یکشنبه ۷ فروردین ماه در اعتراض به عدم پرداخت مطالبات معوقه خود دست به تجمع زدند.

**رانندگان خودروهای سنگین ناوگان حمل و نقل جاده‌ای و باری کشور**، روز یکشنبه ۱۴ فروردین ماه، دست از کار کشیده و اعتصاب کردند. این اعتصاب در شهرهای کرمانشاه، تهران، کرمان، خرم‌آباد و پل دختر با خواست بیمه و بیمه تکمیلی، افزایش دستمزدها و قطع دست‌دلالان صورت گرفته است.

**کارگران پتروشیمی ایلام** واقع در شهرستان چوار، روز یکشنبه ۱۴ فروردین ماه در اعتراض به عدم دریافت عیدی و پاداش پایان سال خود دست به تجمع زدند.

روز یکشنبه ۱۴ فروردین ماه **کارگران شرکت سایپا آذربایجان** دست به اعتصاب زدند. علت اعتصاب کارگران «فروش شرکت سایپا آذربایجان» است. در صورت فروش این شرکت ۶۰۰ کارگر بیکار خواهند شد.

تعدادی از **کارگران فصلی منطقه یک آبفای اهواز** روز یکشنبه ۱۴ فروردین ماه در اعتراض به سطح نازل دستمزد، عدم پرداخت اضافه کاری، حقوق شیفت و وضعیت نامطمئن استخدامی خود مقابل استانداری خوزستان تجمع کردند. این کارگران اضافه می‌کنند: عیدی و سنوات سال ۱۳۹۹ و ۱۴۰۰ پرداخت نشده و به جای آن تهدید به اخراج شده اند.

**کارگران شهرداری رشت** در اعتراض به کاهش دستمزد، کسر مزایا و عدم تبدیل وضعیت استخدامی در مقابل ساختمان استانداری گیلان تجمع کردند.

**بازنشستگان شرکت مخابرات** سه‌شنبه ۱۶ فروردین در شهرهای اردبیل، سمنان، کرمانشاه، سیرجان، اصفهان،

تهران، رشت، زنجان، اهواز و یزد در اعتراض به عدم پرداخت معوقات مزدی و سطح نازل دستمزدهای خود در محل این شرکت تجمع کردند.

جمعی از کارگران قرار دادی اداری در مجموعه شهرداری رشت در اعتراض به عدم قرار داد کارمستقیم و کاهش دستمزد و مزایا تجمع کردند.

روز هفدهم فروردین کارگران روز مزد پتروشیمی چوار ایلام در اعتراض به عدم پرداخت دستمزد و مزایای کامل، سطح نازل دستمزد و سختی کار و عدم درفت عیدی و پاداش و سنوات مقابل استناداری این استان تجمع کردند. این کارگران که پانزده روز کار و پانزده روز مرخصی دارند؛ در ارتباط با دلایل اعتراض خود گفتند: ما حدود ششصد نفر هستیم که با شرایط خیلی سخت کار می کنیم در واقع با شرایط سه شیفت اما با قرارداد کارگر ساده! ما خواهان تعیین تکلیف مان هستیم و می خواهیم جزو چارت سازمانی پتروشیمی باشیم.

کارگران شرکت ایران مایه تبریز روز چهارشنبه ۱۷ فروردین ماه در اعتراض به ادامه بلا تکلیفی خود و وضعیت شرکت دست به تجمع زدند. کارخانهی ایران مایه تبریز در سال ۱۳۸۷ به یک شرکت ترکیه‌ای - فرانسوی واگذار شد اما این کارخانه اوایل سال ۱۴۰۰ به بهانه‌ی ضررده بودن، رو به تعطیلی رفت و کارفرما ۱۵۰ کارگر که هر کدام سابقه‌ی بالای ۱۰ تا ۱۵ سال داشتند را اخراج کرد.

روز چهارشنبه شب ۱۷ فروردین، حدود ۶۰ نفر از کارگران شهرداری بهبهان، بدلیل عدم پرداخت دستمزد اسفند ۱۴۰۰ دست از کار کشیده و در میدان هلال احمر بهبهان تجمع کردند.

روز پنجشنبه ۱۸ فروردین نیز تعدادی از کارگران کشت و صنعت لرستان، برای دومین روز متوالی در اعتراض به شرایط جدید کارفرما در تمدید قراردادها و سطح کم دستمزد دست به اعتصاب زده و تجمع اعتراضی برپا کردند. قرار بوده حداقل دستمزد کارگران در سال ۱۴۰۱ بالا رود مسئولان کشت و صنعت لرستان در قراردادهایی متفاوت با دستمزد شورای کار که سطح آن مورد اعتراض کارگران است، تمدید قراردادهای کارگران را مشروط به موافقت با شرایط جدیدی از جمله کار حجمی، برون سپاری به پیمانکاری و غیره کرده و به کارگران اطلاع داده اند که در صورت مخالفت با شروط جدیدی توانند تسویه حساب کنند.

تجمع اعتراضی کارگران حوزه درمان که بدون سهمیه نامیده می شوند در شهرهای کرمانشاه، اصفهان، سبزوار و سنج در مقابل ساختمان استانداری در اعتراض به تعدیل کارکنان. این کارکنان می گویند ما همان کارگرانیم که بدون هیچگونه امنیت شغلی به کمک توده مردم کرونا زده آمدیم و از جان خود و خانواده خود گذشتیم. نیروهایی که صفر کیلومتر خطاب میشوند و با تمام این ناملایمات ها خم به ابرو نیاموردند و لحظه ای سنگر مبارزه با کرونا رو ترک نکردند. ما همان نیروهاییم که اکنون با فروکش کردن نسبی کرونا پایان طرح خورده میشوند و عذرمان رو میخوانند.

کارگران ایران تایر روز یکشنبه ۲۱ فروردین در خیابان یاستور در اعتراض به عدم امنیت شغلی، عدم پرداخت دستمزد و سطح نازل دستمزد. کارگران می گویند: دیروز سر کار رفتیم اما اطلاعیه‌ای روی بُرد زده بودند که تا اطلاع ثانوی، کارخانه تعطیل است. کارخانه ایران تایر، حدود هزار کارگر دارد؛ این کارگران در دوران ورشکستگی و رکود که بیش از

دو سال به درازا کشیده، دستمزد آن‌ها تقلیل یافته است؛ با شرایط موجود، پرداخت مزد فروردین ماه در ابهام است. در جریان این تجمع یگان ویژه سرکوب به تجمع کارگران یورش برده و با تهدید و ضرب و شتم تلاش کرد کارگران معترض را پراکنده کند.

روز یکشنبه ۲۱ فروردین ۱۴۰۱ **بازنشستگان و مستمری بگیران تأمین اجتماعی** قزوین، کرمانشاه، اصفهان، تبریز، کرمان، اراک، کرج، رشت، تهران، اهواز، شیراز، یزد و سمنان مقابل اداره کل تأمین اجتماعی استان دست به تجمع اعتراضی علیه سطح نازل دستمزدهایشان زدند. بازنشستگان و مستمری بگیران تأمین اجتماعی نسبت به سطح نازل حقوق و مستمری‌ها، مشکلات بیمه تکمیلی و وضعیت بد معیشتی خود معترض هستند. بازنشستگان صنعت نفت شهرهای تهران، اهواز، کرج، کرمانشاه بطور جدا گانه مقابل صندوق بازنشستگان تجمع اعتراضی علیه سطح نازل مستمری زدند!

**کارگران شرکت نفت و گاز گچساران** روز دوشنبه ۲۲ فروردین ماه با خواست تثبیت نوبت کاری ۱۲ ساعته در مقابل اداره مرکزی این شرکت در گچساران تجمع کردند.

تجمع **رزیدنت های دانشکده دندانپزشکی شیراز و دانشکده دندانپزشکی تهران** در اعتراض به عدم افزایش دستمزد رزیدنتی.

**کارکنان اداره امور مالیاتی** در چند شهر در اعتراض به پایین بودن دستمزد خود، امروز ۲۳ فروردین ماه، در مقابل سازمان امور مالیاتی شهرهای مختلف، دست به تجمع اعتراض زده اند.

روز سه شنبه ۲۳ فروردین ماه، جمعی از اعضای **کادر سلامت مجتمع های خصوصی دانشگاه علوم پزشکی تبریز** مقابل استانداری آذربایجان شرقی در اعتراض به عدم پرداخت ۵ ماه دستمزد معوقه، حذف شرکت های پیمانکاری و تبدیل وضعیت شغلی دست به تجمع اعتراضی زدند.

روز سه شنبه ۲۳ فروردین ماه، گروهی از **توده های سپرده گذار موسسه کاسپین رشت** در مقابل این موسسه دست به تجمع اعتراضی زدند. این سپرده گذاران بار دیگر برای اعتراض به عدم بازگرداندن سپرده های خود که توسط مؤسسه کاسپین متعلق به نهاد سپاه پاسداران به یغمارفته، مقابل شعبه سرپرستی این مؤسسه در این شهر دست به تجمع زدند. کارگران صفافی انبار که مسئولیت چیدن بسته ها، کیسه ها و کارتن هادر شرکت کشت و صنعت کارون را دارند در اعتراض به عدم تبدیل وضعیت شغلی و عقد قرارداد با شرکت صبح روز سه شنبه (۲۳ فروردین ماه) دست به تجمع زدند.

#شورایی\_و ضد\_سرمایه\_داری\_متشکل\_شویم

#کارگران\_ضد\_سرمایه\_داری

website  
Email  
telegram  
instagram

www.alayhesarmaye.com  
kargarshora19@gmail.com  
@ alayhesarmaye  
@ alayhesarmaye